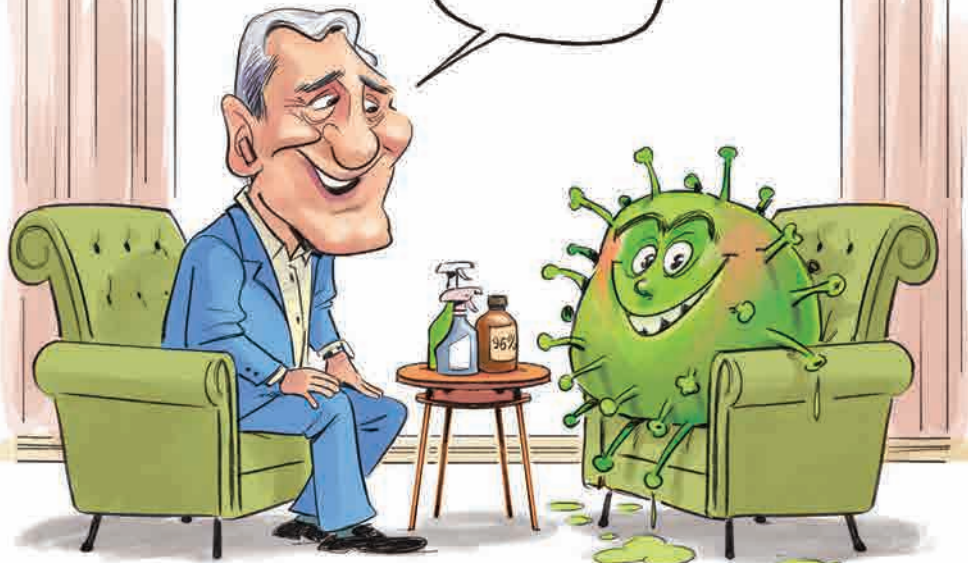




تناقض عجیب مهران مدیری در برنامه دورهمی سیصد نفر را از همه نقاط ایران کنار هم می‌نشانند و از راه‌های پیشگیری از کرونا می‌گویند.

آیا تا به حال عاشق شدی؟



شهرنگ

آرزو درزی

را ساده می‌کند. مثلاً اگر احساس کردید که به سختی نفس می‌کشید، پتورا از روی صورت‌تان کنار بزنید. اگر مشکل رفع شد، شما مبتلا هستید. حتی ممکن است احساس کنید که دچار ضعف و بی‌حالی شده‌اید. در این شرایط کافی است از خودتان بپرسید که آیا من، قبلاً هر روز ساعت ۶ صبح بالترژی از خواب بیدار می‌شده‌ام و ورزش می‌کرده‌ام؟ اگر جواب‌تان به این سوال هم منفی بود، با خیال راحت به ضعف و بی‌حالی‌تان در فراخ‌های رختخواب ادامه دهید. بیدار شوید، بیشتر آب و پرتقال بنوشید و برای این سندروم هنوز راه‌درمانی کشف نشده است. تا سال‌ها بعد از پیدایش جهانی به خودش بیاید و یک مقاله‌ای، چیزی در این باب منتشر کند، شما هم می‌توانید حساب‌کمتر آمار و اخبار را دنبال کنید. بیشتر دست‌تان را بشوید، بیشتر آب و پرتقال بنوشید و از خانه بیرون نروید. اگر هم تخمیل خیلی بهتان فشار آورد، یه دوش آب گرم بگیرید و بیهوشی رختخواب برگردید.

بی‌پرده در معرض همه چیز قرار می‌گیرید که تخمیل به‌سرعت‌تان می‌آید. همین می‌شود که یکپوش احساس می‌کنید گر گرفته‌اید و بدن‌تان داغ شده است. حس می‌کنید حال‌تان سرچاپ نیست و بعد از چند ثانیه، مطمئن می‌شوید که شما هم مبتلا شده‌اید. سریع می‌گردید یک تب‌سنج پیدا می‌کنید و می‌گذارید زیر زبانتان، یا زیر بغل‌تان، یا هر جایی از بدن که فکر کنید، حرارت بیشتری متصاعد می‌کند. چشمان‌تان رامی‌بندید و چند دقیقه منتظر می‌مانید. وقتی تب‌سنج را بیرون کشیدید و دم‌مایش را چک کردید، می‌بینید که به ۳۷ هم نمی‌رسد. اگر این ماجرا برایتان آشناست، شما هم به «سندروم حاد تخمیلی» مبتلا شده‌اید؛ چرا که در لحظات تخمیل، یک‌دوره تپش قلب و یک‌ریزه‌گرگرفتگی طبیعی است که شما آن را هم ندانید. بنابراین، این مشکل‌تان حاد است. علایم دیگری هم از این سندروم تخمیل وجود دارد که خوشبختانه تشخیص آن

کوچه اول

سندروم حاد تخمیلی

اشتباه نکنید، امروز نمی‌خواهیم در مورد آن بیماری لعنتی صحبت کنیم؛ چرا که سازمان بهداشت جهانی، V.behdasht، کانال تلگرام اصلی پروفیسور سمعی، طب سنتی حکیم طهرانی کیا و ویس‌های محرومانه دریافتی از بیمارستانی در قم، به‌اندازه کافی برای آگاه‌سازی شما تلاش می‌کنند؛ دیگر ما هر چه بگوییم توضیح و اصحات است. امروز قرار است در مورد چیز دیگری صحبت کنیم. چیزی که در روزهای قرنطینه و تنهایی که با هیچ‌کس معاشرت نمی‌کنیم و در تنهایی غوطه‌وریم، به‌سرگمان می‌آید و همه‌ما با آن دست‌به‌گریبانیم. امروز می‌خواهیم در مورد «تخمیل» صحبت کنیم. این تخمیلات معمولاً از آفت‌های دست‌رسی به اینترنت و فیلتر شکن است. این قدر

آزادراه

پدر من! بشین تو خونه

یه چندبار هم ما مانم داستان بیرون رفتن رو ناموسی کرده که: مگه با کسی قرار داری بیرون و نکنه کسی شکر پیر صدمات می‌کنه. بابا هم برای اینکه ثابت کنه این‌طور نیست، از بیرون رفتن منصرف شده. حالا اگه پدر من نظافتش رو رعایت می‌کرد، ایرادی نداشت. ایشون معتقد خرید و ماسک و دستکش اسرافه، چون باید بعد استفاده دور بندازیم. ما مانم هم برای اینکه سرش رو گرم کنه، چندتا زیرپوش‌هاش رو داده بهش تا بشینه باهاشون ماسک بدوزه. ولی متأسفانه با همین ماسکایی که درست کرده، هم عرقش رو پاک می‌کنه، هم نون برمی‌داره، هم جلوی دهنش رو می‌بنده. اون زیرشلواری که تنش، به تنهایی می‌تونه آمار مبتلایان رو ۱۵ برابر کنه. خیلی هم معتقد که ویروس روی لباس نمی‌شیند و از راه دست و دهن وارد میشه. به خاطر همین خداروشکر دستاش رو زیاد می‌شوهر ولی با شلوارش خشک می‌کنه. ما تو این چند روز قرنطینه به خاطر اینکه از خونه بیرون نره، خیلی فداکارا کردیم. همین الان داریم با ولوم ۴۰ اخبار ساعت یک با ممداد شبکه خبر رو می‌بینیم که تکرار خبر ساعت ۲۳ بوده. حتی براش اینستاگرام ریختیم. این کارمون ریسک بزرگی بود. البته قبل از اینکه یادش بدیم، کار باهاش چه جوری، همه بلاکش کردیم تا پیدامون نکنه. هی می‌پرسه: تو صفحه‌ات کدومه که من می‌گم صفحه ندارم. خیلی فضاش با روحیاتم سازگار نیست. شماها هم اگه با یه پیچ روبه‌رو شدید که یه مرد ۶۰ساله روی مبل توی یه حالت ثابت ۳۴ تا پست از خودش گذاشته با یه لباس ثابت، لایکش کنید و رد بشید ولی تو توییت و استوری آبروش رو نبرید. به فکر روزی باشید که پیچ پدرتون رو پیدا می‌کنیم و انتقام سختی ازتون می‌گیریم.

یکی از مشکلات همه ما جوون‌ها تو این وضع کروناپی، متقاعد کردن پدرها به بیرون رفتن از خونه است؛ یعنی نگاه داشتن این عزیزان تو خونه حتی از کار در معدن هم سخت‌تره. هرچه ما از پدر بزرگوارمون می‌خوایم تو خونه بمونه، هیچ فایده‌ای نداره. دو روز پیش برای بار صدم اصرار داشت که می‌خوام برم نون بگیرم. تا سه تا پاکت نونی که تو این چند روز به بهونه‌های مختلف خرید و جلوش نداشتیم، بی‌خیال نشد. دیروز v.behdasht پیام داده بود که ما خاطرمون از تو جمعه، ولی تو رو جون هر کی دوست داری بابا رو تو خونه نگه دار عشقم. البته قشنگ معلوم بود این پیام رو برای هزار نفر دیگه هم نوشته و سندنوآل کرده. دیروز داد و بیداد که ماشین رو برم به استارت بزنم باتریش خاموش نشه. حالا ما هرچی می‌گفتیم ما اصلاً ماشین نداریم، گوش به حرفمون نمی‌داد. آخرش بلند داد زدیم من سوییچ رو برم استارت بزنم که خداروشکر به خودش اومد و بی‌خیال شد. یکی دیگه از بهونه‌هایی که بابای من واسه بیرون رفتن میاره، خود کروناست. چهار روز پیش می‌گفت من کرونا گرفتم. می‌پرسیدیم: «چطور؟» می‌گفت: «چند روزه عینکم داره دماغم رو اذیت می‌کنه نمی‌تونم نفسم رو بیشتر از یه دقیقه نگه دارم. یه ذره هم سر دلم سنگینه. دندونام هم تیر می‌کنه.» ۱۵ تا مقاله WHO و ۱۰ تا ویدیو از پزشک‌های چینی و کلی استوری نشونش دادیم که اینا علایم کرونا نیست، ولی متقاعد نشده. آخرش زنگ زدیم پسرعموم که دکتره، باهاش حرف زده. تازه وقتی مطمئن شده تو همه بیمارستانا پرستارا نمی‌رقصن، بی‌خیال علایم شده.



طیبه رسولزاده کارتونست

شهر فرنگ

پاول کوزینسکی کارتونست



شهرنگ



به علت شیوع ویروس کرونا، ثبت طلاق تا پایان سال ممنوع شد

سنگ مفت، حرف مفت!

یک مسئول: همچنان گرمی بخورید!

کرونا: طلاق می‌خوای، باید منم بخوای! یک زوج: آدم رو کرونا بگیره، اما همسر بد بگیره! یک شهروند: یا بذارید طلاق بگیریم، یا ما می‌ریم شمال! یک کارشناس: اکثر طلاق‌ها در یک ماه اخیر به علت پیامک‌های وزارت بهداشت بوده! یک مسئول: ما و کرونا نداره، اون کاهش بده انگار ما دادیم! اخبار تلویزیون: بحال بشنویم از خوبی‌های این ویروس دوست داشتنی... #کرونا-الگوی-مسئولین-فعلا-بسا زید-باشه-برای-بعد-شهرنگ

یک مسئول: آماده انتقال تجربیات مان در زمینه مبارزه با کرونا به سایر کشورها هستیم

کرونا: این جوری منم دعوتون می‌کنم! سایر کشورها: خودمون بلدیم، قرنطینه نمی‌کنیم چون واسه زمان جنگ جهانیه! یک مسئول دیگر: به آزمون و خطایی هست، می‌ذاریم سر سفره با هم می‌خوریم! تجربیات ما: فقط یادشیرین نیستیم، بهم شکر بزنید! یک کارشناس: حالا فعلاً تکذیب کنید تا بعدش ببینیم باید چی کار کنید! مسئول خارجی: متأسفانه منم زهاسته است و نمی‌تونید انتقال بشون بدید! همه-با-مرام-ها-ته-تجربه-ایم-شهرنگ

اگه یه روز نری سفر... نری ز بیستم بی‌خبر!



شهرام شهیدی کارتونست

امروز باید کشف کنیم چرا با وجود اینکه همه اندیشمندان و صاحب‌نظران تأکید می‌کنند با زدن چسب به نشیمنگاه خود به خانه بچسبید و تکان نخورید، باز عده‌ای شال و کلاه می‌کنند می‌روند سفر. واقعا می‌خواهیم از این جماعت بپرسیم چرا در خانه نمی‌نشینید؟

۱) مسافر اول، ورودی مرز نآباد: من هدفم از سفر کردن در این مقطع حساس کنونی اشاعه عدالت اجتماعی است؛ یعنی هرچو حساب می‌کنم، می‌بینم نمی‌شود که ما در شهر خودمان کرونا گرفته باشیم و این ویروس را به کسی که در کنار جنگل‌های هیرکانی زندگی می‌کند، هدیه ندهیم. کتاب بی‌شعوری را هم خوانده‌ام. تجویز نفرمایید.

۲) مسافر دوم، خروجی جاده هراز: ما چون آلوده به این ویروس کذاهی هستیم، از خودگذشتگی کرده و از این شهر درنشدت می‌رویم تا جمعیت چند میلیونی تهران از طریق ما مبتلا نشوند. تو دل‌تان فحش ندهید. برای شما یک مثال ملموس بزنم. شما در حال زانندگی هستی. یک جمعیت صد نفری این طرف بزرگراه ایستاده‌اند و یک جماعت ۱۰ نفری هم سمت دیگر بزرگراه. ناگهان مشکل پیش می‌آید و مجبور می‌شوی تصادف کنی. خب حالا می‌زنی به جمعیتی که سمت خودت هستند یا دور می‌زنی می‌روی آن سمت بزرگراه که به جمعیت کمتر برخورد کنی و تلفات کمتری بدهی؟ چی؟ خودت بی‌منطقی مثال خودت مزخرف است. چطور در حالت اورژانسی دور می‌زنی می‌روم آن سوی بزرگراه؟ فضولی‌اش به تو نیامده.

۳) مسافر سوم، جاده رشت نزدیک رودبار: ما فقط به قصد امداد و کمک‌رسانی می‌رویم شمال. چه کمکی؟ ماسک. شنیدیم ماسک کم است، داریم با خودمان ماسک می‌بریم شمال. ماسک‌ها مان کو؟ ما را گرفته‌ای؟ خب اینهاش. همین‌ها که روی دهان‌مان نصب کرده‌ایم که تا آنجا قشنگ آب‌بندی شود و مطمئن باشیم کارایی دارد. برسیم آنجا اهدای می‌کنیم.

۴) مسافر چهارم، در آژانس مسافرتی «خل‌سیر»: نخیر من به جاده بزن نیستم. خیال‌تان راحت. من برای گرفتن بلیت هواپیمای باکو آمده‌ام به این آژانس مسافرتی، چون راستش شستم خبردار شده در جاده مردم راه را بسته‌اند که پای ما به شمال نرسد. اما من چون تاریخ‌شناس هستم و مطالعات تاریخی دارم، می‌خواهم از موضوع اسب تروا استفاده کنم و تا حواس همه به سه جاده مشهور شمالی معطوف شده خودم را برسانم به جمهوری آذربایجان و از پشت‌سر و از طریق دریا وارد خطه گیلان شوم.

۵) مسافر پنجم، در راه مرزگان: ما خیلی خوبیم نمی‌رویم شمال، بلکه به جنوب می‌رویم. مگر فقط شمال رفتن بی‌کلاسی نیست؟ در ضمن چون ویروس در گرما فنا می‌شود، می‌رویم جنوب که ویروس معدوم شود. در اصل بابت کشتن ویروس جانفشانی می‌کنیم.

۶) استوری یک دختر خانم ریج کیدز طرفدار محیط زیست: عزیزانم یک روز شمال رفتن لاچچی بود، امروزه شمال رفتن.

۷) پست اینستاگرامی یک برنده آینده جشنواره خوارزمی: به نظر سفر اگر هوشمندانه باشد، بد هم نیست. صابون و وایتکس بریزیم در آب دریا و همه مردم کشور را بریزیم تو خلیج فارس که همه حسابی ضد عفونی شوند.